



اجاء قطعيا بايد بيچ حزبي داخل شوند و در امور سياسي مداخله نمايند

حضرت عبدالبهاء

آهنگ بدیع

مخصوص جوانان بهائی است

شماره ششم ۱۷۹

شماره سال شرف ۱۱۸ - دیماه ۱۳۴۰ - ژانویه ۱۹۶۲

شماره دهم سال شانزدهم

صفحه

فهرست مذكرات

-	۱- لوح مبارك حضرت عبدالبهاء جل ثنائه
۲۴۱	۲- تعاون و تعاضد
۲۴۲	۳- ايامى امرالله جناب ميرزا عبدالمطلق
۲۴۴	۴- سوختگان وادى عشق و ايمان
۲۴۶	۵- كلمات مكنونه و دكتر اسلنت
۲۴۷	۶- مشرق الاذكار سيدنى
۲۵۰	۷- من و تو (شعر)
۲۵۱	۸- همچونمى بين تبليغ ام بايد سوخت (شعر)
۲۵۲	۹- تشرف بارض اقدس
۲۵۴	۱۰- اهميت خط
۲۵۵	۱۱- تاريخ و تعاليم و عقايد زردشت
۲۶۰	۱۲- نامه اى از يك مهاجر
۲۶۲	۱۳- محبت "يك نشریه" جديد
۲۶۳	۱۴- طريقى بهتر از مهر و فانوس
۲۶۴	۱۵- معرفى كتاب (مطالع الانوار)
۲۶۶	۱۶- جدول آهنگ بديع
۲۶۷	۱۷- آهنگ بديع و خوانندگان

عكس روى جلد شركت كنندگان در جشن افتتاح مشرق الاذكار سيدنى (استراليا)

رشت حضرت واعظ لایحیانی علیه بحسب الله الاهی

هو الله

سوال التعلیف موهوبه تعلیف است که کتب و کتب
 کتب و کتب کتب و کتب

و بعضی است همان که در کتب و کتب و کتب
 و بعضی است همان که در کتب و کتب و کتب

و بادله یک در کتب و کتب و کتب
 و بادله یک در کتب و کتب و کتب

در حضور اجازت کتب و کتب و کتب
 در حضور اجازت کتب و کتب و کتب

صفت الحرف منظور از این است که در کتب و کتب
 صفت الحرف منظور از این است که در کتب و کتب

زیلاد یوم فرغ است درام صفا بلغ و و
 زیلاد یوم فرغ است درام صفا بلغ و و

عظیم عظیم و کتب و کتب و کتب
 عظیم عظیم و کتب و کتب و کتب

تعاوض

در زندگی یومیه غالباً علاقه خود را نسبت به کمک
بدیگران اظهار کرده و تمایل خود را نسبت بخدمت
بانها ابراز میکنیم ولی گرفتاریهای شخصی واداری -
خود را مانع به نیل بچنین خدمتی دانسته و از انجام
هرگونه مساعدتی خودداری میکنیم باید متذکر بود که
خدمت و مساعدت بدیگران وسیله ایست که روح ما را
قرین نشاط و سرور و حیات ما را بتوفیق و رضای الهی
دسازد .

دنیائی که مادر آن زندگی میکنیم شدیداً محتاج -
بکمک و مساعدت نوع انسانی میباشد زیرا مردم در -
حال حاضر بقدری سرگرم آرایشهای زندگی میباشند
که از احتیاجات و مصائب دیگران بیخبرند از طرفی
باید دانست که اثر و ثمر به خدمت بنوع دارای -
مواعب بیشمار است که هم شامل حال کمک کنندده
و هم کمک گیرنده میگردد بدون چنین همکاری زندگی
ما باتاریکی و اشکال توأم و موجب از دست دادن
فرصت ادای وظایف انسانی میگردد بطوریکه مشاهده
میکنیم یکی از علل تیرگی و نواقص غم افزای تمدن عصر
حاضر و محرومیت بسیاری از معاصرین همین خود بینی
و عدم تعاون بادیگران است .
سعدی گوید

توکز محنت دیگران بی غمی

نشاید که نامست نهند آدمی

علاج چنین وضعیتی چیست .

صرفنظر از اینکه ما دارای چه شخصیت و مقام و شغلی

میباشیم در هر وضعیتی که هستیم میتوانیم در حدود
امکان وجود یا لا اقل مساعی خود را صرف بهبود وضع
نوع خود نمائیم و برای انجام چنین خدمتی هم نباید
بانتظار فرصت نشست ما غالباً از انجام مساعدت با افرادی
که با آنها آشنائی نداریم خودداری یا دچار تردید
میشویم این تردید و تامل ناشی از جمودت و برودت -
وجدان و فقدان احساسات معنوی است که ساکنین
جهان امروز با آن روبرو هستند و خوف و هراسی هم
که دامنگیر بشر شده بعلت یاس از غمخواری و کمک -
دیگران و احساس تنهایی و بی یابوری در مقابل سیل
مصائب است .

کمک و مساعدت بیکدیگر مخصوصاً در شهرهای
بزرگ باید بیشتر مورد توجه قرار گیرد زیرا تمدن خشک و
جامد امروزی حس همکاری را لهیبین برده و اینک فرصت
مناسبی جهت ادای وظیفه روحانی در اختیار مردان
و زنانی که قلوبشان در غمخواری و شفقت نسبت بنوع
خود در ضریان است میگردد .

این عمل را از اولین فرصت باید شروع کرد - در
محل کار خود - در کارخانه - در موقع عبور - بسا که
یک تبسم و برخورد نشاط آور شما موجب شود که روح -
آزده و ویژه که از زندگی در این دنیا مایوس است
امیدوار ساخته و مثل اشعه تابناک آفتاب که درون
تاریکی را میشکافد راه غمزدگان را بد طرف روشنی رهبری
و نشاط و سرور زائد الوصفی را در دیگران ایجاد نماید
تا چه رسد بعمل همکاری و نیکوکاری . (۲۴۱)

آهنک، بدیع

بمان محبت و مساعدتی که است که بصرف حسن نیت بدیگران ابراز میداریم و باضعاف مضاعف بما مسترد میگردد .
شرکت در امور مربوط برفاه عمومی واجتماعی البته کار بسیار مالموسی است و همه باید بدانند که " وجدانا " مسئول حفظ و حمایت برادران نوعی خود هستند .

هیچکس نباید از وظیفه و مسئولیتی که متوجهه شخص او نیست تنها بعلمت اینکه سازمانهای مساوانی یا اولیا ، امور مسئول اینگونه امور میباشد سرباز زند چنین فکری که با نهایت تاسف در جامعه امروزی حکفرماست فکر بسیار نامالموسی است در بین عائله های امروز اطفال نیز متدرجا آوری تربیت میشوند که خود را مکلف رفاه و سعادت دیگران نمیدانند - صرف نظر کردن از اینگونه همکاریها اصول محبت و یاوری را که پایه تمدن و مدنیت عالم بشری است متزلزل میسازد .

ابراز رقت قلب و غمخواری نسبت بمصائب دیگران متقابلا موجب تقویت قلب انسانی میگردد هرآن که مصائب و بلیات دیگران را با اشک محبت و همدردی شستشو دادیم وجود مادر دریای عفو و غفران الهی غوطه ور شده و در عالم پاکتری وارد میشویم .

فرض نمیکند که در رک امیک از قلعات خمسه دنیا زندگی میکنیم روح خود را در معرض خدمت دیگران قرار دهیم و در انجام امور خیر و لولونظرسخیلی جزئی باشد اقدام کنیم خواهیم دید که به چه فتوحات معنوی عظیمی نائل میشویم .

میدانیم خدمت و فسادکاری مهیا و نیل به چنان فتوحات و نتایج معنوی متوسط بقیام و اقدام است.

+++++

+++++

+++++

+++

بایام گذشته خود که دقت کنیم اهمیت کمکها - همکاریها - را غنمائی ها و مساعدتهائی را که از دیگران نصیب ما شده در مییابیم اثر و نتیجه این مساعدتها نیروی فنا ناپذیری است که در قلب ما بجای مانده است ولی هیچیک از این غیر نواهان عالم در موقع ابراز کمک خود از تالیخ بعدی آن ابلاعی نداشته و ما هم در آن موقع با غنیمت غیر خواهی آنان در حیات آینده خود آگاه نبوه ایم .

مادر زندگی خود بهمه آنها مقروض بوده و باید از خود سؤال کنیم بدعی ما نسبت بآنها چیست ؟ جواب کامل چنین سئوالی این است که ما هم لا اقل بهمان مقدار و میزان نسبت بمعاصرین و ابرافیان خود مساعدت و مساوت و همکاری و نیکوکاری مدیون هستیم . کمکها و اعانتها و دلجوئیها و غمخواریهای آبوسيله - دیگران شامل حال ما شده و بکامیابی و موفقیت رسیده ایم باید همواره مورد توجه مآقرار گیرند و برای ادای سپاسگزاری و حق شناسی متقابلا نسبت بدیگران از هیچگونه خدمت و فداکاری دریغ نکنیم . ما باید وجود خود را وقف عالم انسانی نمائیم . اهدا مقدار مختصری وجه چنانچه قدرت پرداخت آن در ما موجود است فداکاری مهمی بشمار نیآید " لن تنالوا البرحتى تنفقوا ما تحبون " سرمشق جامعی است که همه باید پیرو این دستور آسمانی بوده و آسایش و وقت خود را نیز صرف سعادت دیگران کنیم .

غالبا شنیده شده که میگویند " اگر من غنی بودم خدمات شایانی را در خدمت بجامعه انجام میدادم " ولی باید متذکر بود که " همه ماها میتوانیم با سرمایه محبت و سخاوت غنی باشیم " بعلاوه اگر ما قسمتی از اوقات خود را در خدمت بدیگران صرف نموده و در رفع حوائج آنها بکوشیم بسا میشود که چنین علاقه و احترام مافوق بذل ثروتهای هنگفت ثروتمندان است تانوی عمومی معنوی " کماتدین تدان " عبارت از

جناب میرزا عبدالمطلق



یکی دیگر از حضرات ایادی امرالله که ضمن یکی از توقیحات منیعه حضرت ولی امرالله باین عنوان - مخاطب گردید .

جناب میرزا عبد الله مطلق میباشد واینک قبل از شروع بنوشتن شرح حال ایشان عین آن جهت اطلاع خوانندگان ارجمند در اینجا نقل میگردد قوله جل سلتا ای غضنفر بیشه الهی حقا که شریعه الله را - حای جانفشانی و آسمان دین الله را کوکبی درخشان جمهور مؤمنین را مقتدای امینی وجامعه امرالله رارکنی شدید و متین منائی و ناصر آئین جمال ابهائی و عضو برآزنده هیئت مجلله ایادی امر رب یگنا . ولمثلک - ینبنی هذا المقام الاسنی والترتینه العلیا این عبد آنجی آن محبوب القلوب احبا را فراموش ننمایم و در این جوار بر انوار تأییدات متتابعه از ملکوت اسرار از برای

آن برگزیده جمال مختار از اعماق قلب تمنا و استدعا نمایم کن مستقیما علی امره و ناطقا بذکره و مروجا لشریعتیه و منادیا باستقلال دینه و مبینا لکلماته و ناشرنا لماناره انه یلهمک ما یشاء * و یویدک بشدید القوی و یمدک بتأیید اتیه المتتابعه من ملکوته الابهی و تحقق آمالک فی خدمته امره المتعالی - الممتنع العظیم . بنده آستانش شوقی

جناب مطلق از جواهر ابرار و اکابر اخیارند تحصیلات اساسیتر کم اما اطلاعات تبلیغی و امریتر فراوان بود این مرد رشید هیکلی جسیم و لبی بسیم داشت کمتر وقتی بود که خندان نباشد خصوصا هنگامی که بذکر ایلم تشرف میبرد اخت سیمایش شکفته تر و کلامش دلایز تر میگردد ولی اگر امری مخالف دستورات الهیه از کسی مشاهده مینمود تیافه اش تنبیر میکرد و گفتارش خشن و سخنش درشت میگردد .

جناب مطلق در سنه ۱۲۶۰ هجری شمسی در شهران تولد یافته نام پدرش استاد حسن است که اهل اصفهان بوده و صنعت کاشی سازی داشته و بوسیله جناب حاجی میرزا حیدرعلی اصفهانی اعلی الله مقامه بامرالله اقبال کرده است . جناب مطلق هنگام فوت پدر اقلی یازده ساله بود و چون اقارب او همگی میلان بودند و (۲۴۳)

نوشتگان و علاقه‌مندان

سرنوشت یادداشت‌ها

جمال اقدس ایهی جل ذکره الاعظم در کتاب مستطاب اقدس باین بیان اعلیٰ ناطق
لویجد اخذ حلاوه البیان الذی ظهر من فم مشیت
الرحمن لینفق ما عنده و لو تکنون خزائن الارض کلها
لیب الله من اوامره المشرقه من احق العنايه و—
الالطاف

پس بیائید پروانه شوم و پروانه رادیده اید که
چسان گد شمع میگردد تاجان گرای را فدا کند دست
از جان بی شوید و در شعله شمع جان و جهان را
ترك می گوید . او عاشق است ای خوشا بحال
عاشقانی که سردر راه عشق پاک خود بازند و از فساد ای
جان پروا نکنند عشق پاک و حقیقی که دور از فرائض
پست بشری باشد در خور تقدیس و ستایش است . عشق
بخدا و عشق باولیا عشقی پاک و آسمانی است و—
خوشبخت مردی که بخاطر این عشق دست از جان
و مال بشویند و هست و نیست خود را بر باد دهند .
بیائید تا پروانه شوم سبکبال و آسوده خاطر بهر
سو پرواز کنیم پروانه شوم در بوستان الهی بال
و پرواز کنیم از گلی بگلی و از نسترنی برسنبلی پریم
گرگان را بیازی گیریم و آنان را بهر سود و انیسم
سود آزرده و شیلای شعله ای گردیم گردش بیروا ز آئیم
و سرانجام در آن آتش بد نهایمان را افکند . بسوزیم و
خاکستر شویم بیائید پروانه شوم تا عاشقانه بیروی
از دلدادگان سابق کرده و راه و رسم وفا را چون آنان
ای کنیم . سوختن و در عشق فدا شدن بخاطر عشق

(۲۴۴)

دست از جان شستن را بجهانیان نشان دهیم .
پروانه شوم و بدور شمع حقیقت گردیم و در گرد آن
گرد آئیم در این اجتماع از هم گسیخته و ساقط
کنونی میدار آن بجای وفا و صفا بر محور جور
وجفا میگردد و بعوض آنکه فروغ پر شکوه عدل و
انصاف بتابد شرار ظلمت و بیدادگری از هرسوی آن
زبانه میکشد . ما پروانه صفت گرد شمع آزارتی و—
آزادگی حقیقت جوئی و محبت عمومی با ایقان و ایمان
کامل حلقه زنییم دست بهم دهیم مردانه برای—
بنیان نهال نظم بدیع جهان آرای جمال اقدس
ایهی بجلو گام برداریم و در این راه دست از جان
بشوئیم عاشق شوم پروانه سان در راه عشق بسوزیم
سرفراز مردی که خود سوخته تا بدیگران حیات نوین
و زندگی تازه بخشیدند .

پروانه نیستم که بسوزم بشعله ای

شمع تمام سوزم و خود را فدا کنم

میسوزد و میسازد با این سوز و گداز محفلی را روشن

میکند و مجلسی را میآراید گهی در مجمع نیازمندان

زمانی در مجلس گرم بی نیازان هر کجا که باشد کاری

جز سوختن ندارد شمع است و باید بسوزد آزاده ای

که خود میسوزد تا حیات سوخته دلان را روشنی بخشد

و شمع حیاتش را تا هنگامیکه بخاموش نگراید —

همچنان فرا راه شیفتگان حقیقت نگه میدارد که راه را

از چاه باز شناسند صاحب دلی می خواهد تا از گریه

شمع فدا شدن و سوختن تکیه ها برگیرد



آهنگ بدیع

پسروانه صفت چشم بدودوخته بودم آنکه که خبر دار شدم سوخته بودم
خاکستر جسم بسرشمع فروریخت اینست وفائی که من آموخته بودم

بواسطه جنابان دوزائر علی اکبر و آنعمت حضرت احمد خان واخوی ایشان حضرت صد رعلیه
بها، الله الابهی

هو الله - ای دوبرادر ثابت راسخ مهربان الحمد لله مانند فرقدان از مالمع ایمان وایقان
درخشنده و تابانید و بنار موقده در شجره انسان افروخته و جان سوخته و بجان خندان و
گریانید چون الطاف بیبایان بخاطر آید بخندید و چون آتش عشق شعله زند بگریید این گریه
بهتر از هزار سرور است و این بکا* سبب انجذاب بملکوت ابهی است الحمد لله بصرمنور است و
شام معطر و روح مبشر است و دل متوجه بمنار اکبر و جان و وجدان مشتاق روی دلبر آفاق
و قلب و فواد مفتون خوی کوکبا شراج و حبل وجود منشق و مندک از تجلی رحمن و لسان ناطق
بحجت و برهان و الالف الابهی بیحد و پایان ملا علیین تحسین مینمایند و اهل ملکوت ابهی طوبی
لکامم طوبی خطاب میفرمایند دیگر چه موهبتی است اعظم از این وجه عنایتی اکمل از آن بایسد
بشکرانه این فضل و احسان شب و روز راحت و آرام نجوئید و بشنوید و بگوئید و برده او هام خلق بدرید
و با آنکه بدیع کشف اسرار نمائید و قلوب را محرم راز کنید و بهدایت خلق بیوید از بی بهره را -
نصیب عجیب دهید و افسرده را روشن و افروخته نمائید کوران را قوت بصر دهید و صامتان را نطق گویا
بخشید از نفقات روح القدس این مواهب و اعظام از آن مأمول و منظور است و معروف و مشهور
اللهم یاری العطوف الرؤف و تری عبدک صد الملهوف و اغاه المألوف لم یالوا جهدا فی الامر
بالمعروف بل یدعون الیک و یتوکلون علیک و ینشرون آیاتک بین بریتک و ینادون بکلمتک بین صفوتک
و ینشرون نفحاتک و یمشرون بکلماتک و یحشرون تحت لوائک و یرتلون کتابک و یلبون بخطابک رب
اجعلهما آیتین باهرتین فی الخاقیین و قائمین علی خدمتک و طائری الصیت فی المشرقین و مثلین
سائرین فی المغربین انک انت المشرق اللائح علی آفاق من الافقین اللائحین مظهر امرک العلی
الاعلی و ملکوت اشراقک الابهی الابهی لاله الا انت العزیز المتعال ع ع

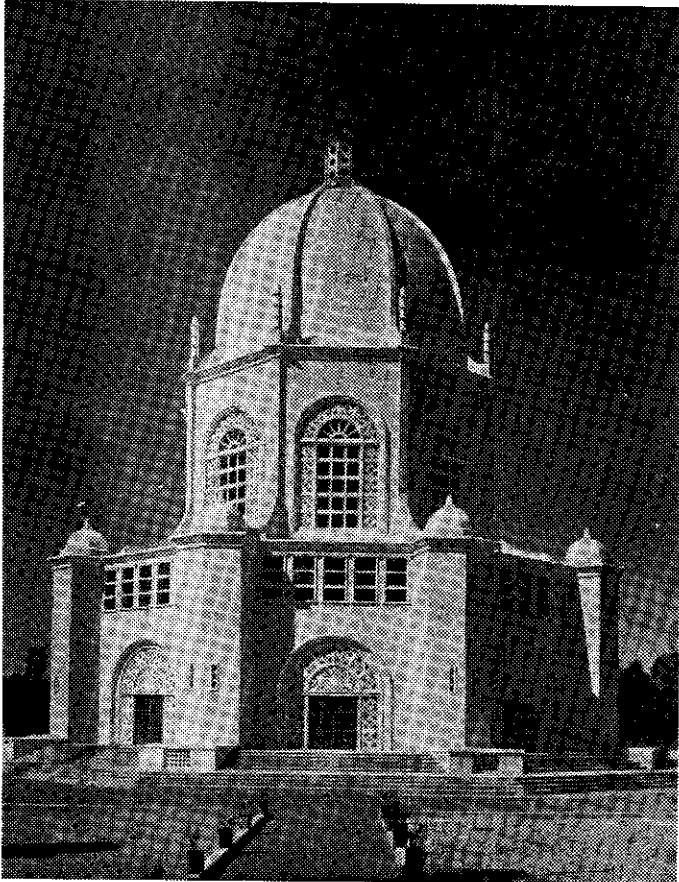
کلمات مکتونه

از یادداشت های جناب الله قلی سجانی
تهیه و تنظیم از پرویز روحانی

دکتر اسلمنت

دکتر اسلمنت مولف کتاب بها * الله وعصر جدید قبل از اقبال بامبارک علی رغم میل پدرش که میخواست کشیش و مردی روحانی شود تابع عقیده مادیون گشت وی میگفت که بسیاری از کلمات و دستورات دینی هست که برخلاف علم و عقل - میباشد دکتر اسلمنت همچنان بر عقیده خویش استوار بود تا اینکه روزی خانمی کلمات مبارکه مکتونه را که با انگلیسی ترجمه شده بود بدست ایشان داد و اظهار داشت شما این کتاب را بخوانید و اگر چیز قابل فهم و درکی در آن یافتید بگوئید تا من نیز بخوانم دکتر اسلمنت کتاب را گرفت اول آنرا خواند لحظه ای چند نگذشته بود که طوفانی عظیم در روحش برپا شد امواج بحر بیکران این بیانات چنان معتقدات او را درهم شکست و تلاشی ساخت که بکلی از خود بیخود شد و مانند تشنه ای که به سلسبیل زلال راه یافته باشد در مدت چند ساعت تمام کلمات مبارکه مکتونه را باولم و حرض پایان ناپذیری خواند و در اعماق روحش فرو برد سپس از خانمی که کتاب را باو داده بود اظهار تشکر و قدردانی کرد و از محل و مبدأ * انتشار این نوع کتب سؤال نمود خانم مزبور آدرسی را در پاریس باو داده و دکتر اسلمنت بوسیله مکاتبه اکثر آثار مبارکه از جمله کلمات مکتونه عربی را دریافت میکرد و میخواند روح ایمان و انجذاب و ایقان چنان در وجود دکتر اسلمنت دمیده شد که قبل از تشریف بحضور مبارک حضرت عبدالبها * جل ثنائه شروع به نوشتن استدلالات متقنی بر امر بهائی نمود پس از زیارت هیکل اطهر برایمان و ایقان نشر د و صد چندان افزوده شد و در عاشقی مشهار با لبنان گشت .

مشرق الاذکار سیدنی



محفل مقدس ملی بهائیان استرالیا بمناسبت افتتاح مشرق الاذکار سیدنی نشریه جالبی تهیه و بین مدعوین جشن افتتاح بنای فوق الذکر توزیع نموده اند. در این نشریه قسمتی از الواح جمال قدم حضرت بها^۱ و بیانات والواح مرکز میثاق حضرت عبدالبها^۲ و حضرت ولی امرالله درج و تعالیم اساسی امر واهداف مختلفه آن تشریح و مختصری از تاریخ امر بیان گردیده و چند عکس از نمای داخلی و خارجی مشرق الاذکار استرالیا نیز طبع شده و مشخصات بنا بشرح ذیل درج گردیده است .

مساحت اراضی مشرق الاذکار سیدنی استرالیا

۷ جریب فرنگی

۶۰۰ نفر

ظرفیت سالن برای نشستن

ارتفاع قسمت استوانه ای شکل بالای قبه از کف زیرزمین

۱۳۰ فوت

قدار بنای معبد از پشت پله های خارجی بنا

۱۳۲ فوت

۷۳

قطر سالن مرکزی

۵۵

قدار سالن در زیر گنبد

۱۶×۱۳

ابعاد درهای اصلی

۲۲×۱۳

ابعاد پنجره های اصلی

قسمت استوانه ای شکل واقع در بالای قبه با ارتفاع -

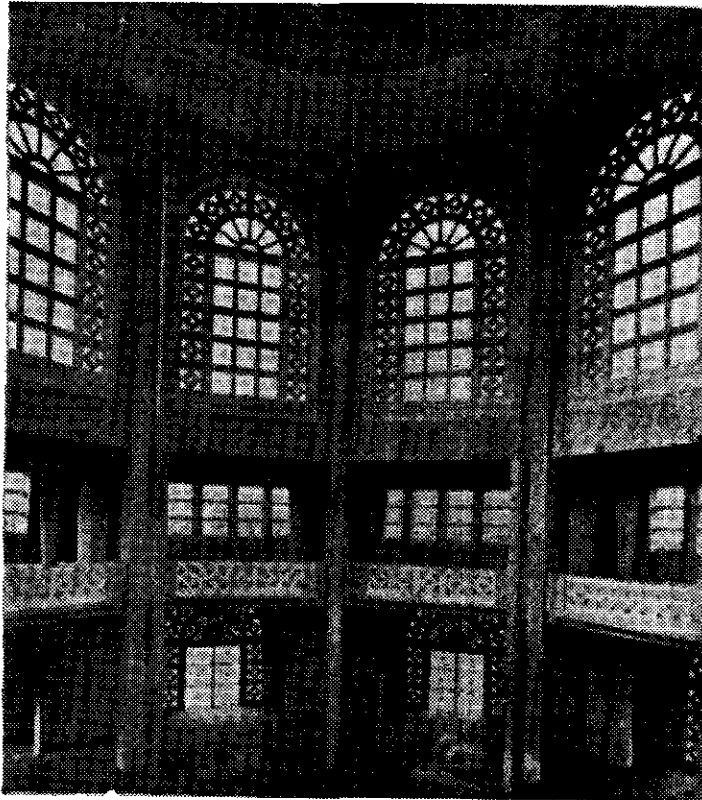
۱۵/۵ فوت و قطر ۸ فوت میباشد

(هر فوت مساوی ۴۸/۳۰ سانتیمتر و هر جریب فرنگی

معادل ۴۳۵۶۰ فوت مربع میباشد)

شرح ذیل ترجمه قسمتی از مقدمه نشریه مذکور است
 " در اول اعصار و قرون گذشته بشر همواره ابنیه ای
 برای پرستش خداوند و نشان دادن ایمان خود بنا و
 ساخته و برای عبادت در آن اماکن مجتمع شده است
 ملل و بیروان ادیان مختلفه از بودائی . مسلمان و هند
 و یهود و مسیحی و غیره از لریقی راه تقرب به بارگاه
 الهی را پوئیده اند .
 در قرن حاضر که جهان جهان واحد گردیده و اصل
 تعاون بقا به ثبوت رسیده بشر از بیگانگی خسته و
 آزاده شده است بنای معبد بهائی معنی مخصوصی
 دارد . این معبد نمونه و علامت ایمان و آرزوی بشر در

تحقق وحدت عظیم انسانی است .



سالیان دراز نوع بشر در خصومت و عداوت و جنگ و ستیز بسر برده است و ملل مختلف یکدیگر را تحقیر نموده اند و یکدیگر را مرتد و بی دین و بیست و حقیر شمرده اند اما اکنون این دوران سپری شده و باید مقرر و مؤمن شویم که همه بنده یک خداوندیم و بیک مرجع راجع خواهیم شد و باید تحت یک لوا * و قانون زندگی کنیم و اهداف و آمال واحد داشته باشیم . اگر چنین - معتقداتی داشته باشیم میتوانیم در صلح و صفا و دوستی و وفا و برادری زندگی کنیم و رحمت الهی ما را احاطه خواهد نمود و از زندگی بهره و لذت حقیقی خواهیم برد .

درب مشرق الازکار و معبد بهائی بر روی کلیه کسانیکه بخواهند بحق توجه و بسوی او دعا و مناجات نمایند باز است و بهیچوجه تفاوت رنگ و نژاد و مذهب و کشور و نظایر آن مانع از ورود کسی باین محوله نخواهد شد و هیچنوع تعصب مذهبی در اینجا وجود نخواهد داشت در دیانت بهائی سابقه ای بعنوان کشیش و آخوند و ملا وجود ندارد و در این محل کسی نطق و

خدا به ایراد نخواهد نمود و فقط هر کسی دعاها و مناجاتهای دیانت مقدسه بهائی و یا هر دیانت دیگری را تلاوت و بحق توجه مینماید و فقط سازهای سلو نواخته و سرودهای مذهبی خوانده خواهد شد .

صندلیهای وسط معبد بطرف اراضی مقدسه بهائی متوجه و در بالای سردعا کنندگان در زیر گنبد اسم اعظم نقش بسته است . ولی باید توجه داشت که در دیانت مقدسه بهائی دعا و نماز صور دیگری هم دارد . حضرت - بها* الله به پیروان خود فرموده اند هر خدای که بحالم انسانی انجام دهید حکم دعا و عبادت را دارد بنابراین در اطراف مشرق الازکارهای بهائی دارالترتیه ها دارالعلم ها و مراکز تحقیقات علمی و تربیتی ساخته خواهد شد تا عبادت بهائیان را بدرگاه خداوند لایزال تکمیل نماید . بعقیده بهائیان بین زندگی روزمره و حیات روحانی فاصله ای وجود ندارد .

تشکیلات بهائی از پیروان خود حق عضویت دریافت نمینماید ولی برای مشروعات بهائی احبا* از سراسر جهان تبرعات خود را تقدیم میدارند و برای بنای این مشرق الازکار نیز از بیخ قاره جهان تبرعات واصل گردیده است تا این بنا کپه نمونه وحدت عالم بهائی میباشد بوجود آید . در این بنا مقدم کلیه ابنا* بشر که برای دعا و توجه و راز و نیاز بدرگاه خداوند بنی انبیا جمع میشوند گرامی داشته خواهد شد . در این معبد همه میتوانند به خداوند یکسا توجه نمایند و معتقد باشند که واقعا برادر یکدیگرند

پایان



لجنه جوانان بهائی سعديه شیراز - ۱۱۸ بدیع



لجنه جوانان بهائی رضائیه

من و تو

ای بسر زلف تو سودای من لعل لب شهید مصفای من
 عشق تو بگرفت سراپای من " از خود و اغیار تیرای من
 " من شده تو آمد ه برجای من

گرچه بسی رنج غمت برده ام جام بیبایی زبلا خورده ام
 زنده دلم گرچه بغم مرده ام " سوخته جانم اگر افسرده ام
 " چون لب تو هست مسیحای من

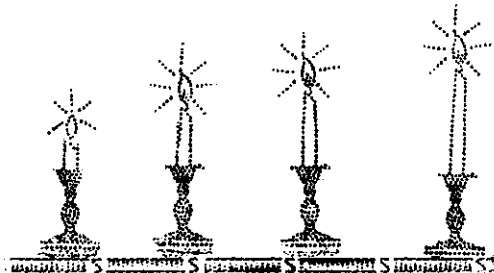
گنج منم بانگی مخزن توئی دانه منم صاحب خرمن توئی
 سیم منم مالک معدن توئی " هیکل من چیست اگر من توئی؟
 " گرتو منی چیست هیولای من؟

من شده از بهر تو چون ذره بست وز قدح باد عشق تو مست
 چون بسر زلف تو داریم دست " تا تو منی من شده ام خود پرست
 " سجده گه من همه اعضای من"

آتش عشقت و پرافروخت دود سوخت مرا مایه هر هست و بود
 کفر و مسلمانیم از دل زدود " چون بخرم ابرویت آرام سجود
 " فرق نه از کعبه کیسای من

تا زخم ابروی خود چیین گشود صد گره از کار دل و دین گشود
 تا بتکم لب شیرین گشود " عقده دل همچون خستین گشود
 " نالقه بلبل گویای من"

پنجشنبه درین امم باید بپوشد



جهاد اندر ره ارشاد بشر باید کرد
 عالم از خود سری و جهل و خطا مسموم است
 جامه عفت و تقدیس بسر باید کرد
 سخی موفوری رفع خطر باید کرد
 گر ز اطراف بیبارد همه جاتیر بیلا
 در ره امر بها سینه سیر باید کرد
 حجاجه و موسو آرزوی منصب و جاه
 بعد از این از سر و از قلب بدر باید کرد
 محکم و منقطع و با کدل و جان برگرف
 طسی این راه بر از خوف و خطر باید کرد
 از عمارات و اراضی و حطام دنیا
 با همه جلوه آن صرف نظر باید کرد
 مجموع شمس بی تبلیغ ام باید سوخت
 عالمی ز آتش خود برز سرور باید کرد
 دوستان روز جهاد نیست گیر اگر
 با تمسق بچنین روز نظر باید کرد
 اندکی عانده از این نقشه و فرصت محدود
 خواب غفلت ز سر خویش که بدر باید کرد
 از همه عمر کنون کسب بخیر باید کرد
 خواب مفتوح و مقنوع طریقی
 اگر این فرصت کم نیز بیاطل گذرد
 آخر نقشه چو شد خاک بسر باید کرد
 بیچنان هنرمند (صفائی) بسر گوی
 وقت بگذشتن از ایصال "هنر" باید کرد

علامه الله صفائی خلیج آبادی

تشریف بارض اقدس

عبدالله فرعی

در اسفند ماه ۱۳۳۶ تأییدات جمال اقدس ابروی شامل شده و سایل تشریف آماده گشت .
اولین بار بود که با هواپیما عازم حرکت بودم بدیهی است اضطرار خاطر داشتم ولی شوق تشریف هرنگرانی و تشویشی را برطرف نموده بود ساعت ۶ صبح روز حرکت هر یک از مسافران بجای خود نشستند و کمی بعد هواپیما کوه پیکر بحرکت درآمد و در چند لحظه از زمین پرواز نموده کوه ها و دشتهای و صحراها از زیر بالهای آهنین این پرنده بلند پرواز یکی پس از دیگری میگذشت از اوج آسمان تلال زبیا و ارتفاعات زمین مانند حبابها و قبه های بی انتها بنظر میآید که بیراهتی از حریر سفید در برنموده بودند زیبائی آن مناظر روح بخشنده خارج از وصف و توصیف است قلعات ابراز یکی دو هزار متر پائین بنظر میرسید که بر روی زمین سایه گسترده مادر ارتفاع زیادی بالای ابر بودیم غورشید درخشان و هوا در نهایت لطافت بود جمال طبیعت و مناظر زیبا و بالاتر از همه شوق تشریف و زیارت همگی زائرین را - مفتون و مجذوب خود ساخته بود بزودی از سرحدات شمالی ایران گذشته و بسرزمینهای کوهستانی آسیای صغیر و خاک ترکیه رسیدیم آب نیلگون دریای مدیتره کم کم نمودار می شد کهی بعد ساختمانها و عمارات زیبای شهر مقدس حیف نمودار گردید پرواز ما یکسره از بهران چهار ساعت و چهل و پنج دقیقه طول کشید در گمرک تل اوپو همینکه خود را بهائی مصرفی نمودیم باکمال احترام بدون تفتیش ما را فوراً مرخص نمودند در صورتیکه سایرین را بدقت رسیدگی و تفتیش مینمودند از تل اوپو صرف ۲ ساعت با ماشین به حیف رسیدیم و دم

(۲۵۲)

در بهائی گاردن از ماشین پیاده شدیم زیبائی و جمال و شکوه این باغ معروفیت و شهرت مخصوص دارد و در حیفاً زبانزد خاص و عام است حین زیارت مقام مقدس اعلی هنگامیکه بر آن آستان مقدس سر بسجده نهادیم بودیم تلم مصائب و بلاها و مشقات و تاریخ سراسر مظلومیت حیات مبارک از نظر ما میگذشت پس از زیارت مقام اعلی بمقام حضرت عبدالبها مشرف شدیم و با اشتیاق و خلوص و تضرع سر بسجده نهادیم و بر آستانه آن دریای علم و مثل اعلای دانش و فضیلت بدعا و حاجات مشغول شدیم سپس براهنما جناب فیضی ایادی امراله بزیارت دارالانار رفتیم استیل بنا با رز بناهای باشکوه قدیم یونان و روم ساخته شده است ستونهای بلند مرمر اطراف بنا محفوظه ها و میزهای مثبت کاری شده توسط استادان چینی چهل چراغهای مجلل داخل تالار جلال و شکوه زائد الوصفی بساختمان داده بود دو روز بعد برای زیارت روضه مبارکه جمال مبارک جل ثناءه بمسکارتیم تقریباً یک ساعت راه است بمحضر ورود به به جی وارد شدیم اطراف قصر بهجی باغ بسیار بزرگی ترتیب داده شده است در این اواخر چندین هزار متر مربع براراضی این باغ مصفا از طرف حضرت ولی عزیز امرالله افزوده شده که دارای طراحتی ها و گل کاریها و تزئینات مخصوصی است قسمت مشرق این باغ تپه های بزرگ و باوایی رویم تعبیه شده که از بالای آن منظره باغ تا آنجا که بدریا میرسد چشم انداز بسیار وسیع و پهنآوری را تشکیل داده است مخصوصاً در موقع غروب آفتاب مانند گوی زرینی بدریا فرو میرود بقدری

آهنگ بدیع

باین وسیله صاحب امر را به محلی رساندند که از قرون گذشته پیشگوئی شده بود و همه انبیا^ع مرسلین اخبار فرموده بودند که ظهور حق از اراضی مقدسه خواهد بود در واقع مخالفین در عین مخالفت و معاندت مشیت الهی را مجری ساختند و صاحب امر را باراضی مقدسه فرستادند تا و عهد الهی تحقق یابد و نبوات انبیا^ع مصداق پیدا کند .

جناب میرزا عبد الله مطلق (از ص ۲۴۳)

بعضی از آنها در امور این خانواده دخالت داشتند صلاح چنین دیدند که در بازار بکاری مشغول شود لهذا آن را فل از تحصیل بازماند و کم کم بسبب گرفتاری از معاش سرت احیا^ع بازماند لکن حسن تصادف او را با جناب حاجی ابوالحسن امین اردکانی روبرو کرد و وسیله آن مرد محترم با جمعیت دوستان محشور گشت و این هنگامی بود که از عمرش هیجده یا نوزده سال میگذشت. کم کم شعله ایمان در قلب پاکش زبانه کشید و آنجا بشیر حسد کمال رسید و پس از آنکه حضرت مهدی را الصدور همداغی در طهران حوزه درس تبلیغ تشکیل دادند او هم منضم بتلامذه گردید و بعد از ایشان نزد جناب نعیم بادامه تحصیل مشغول شد رفته رفته لیاقت تبلیغی و قابلیت معلوم و مسلم گردید تا در سال ۱۲۹۵ هجری شمسی از جناب محفل مقدس روحانی طهران بعنوان مبلغ سیار برگزیده شد باری جناب مطلق از این تاریخ مسافرتهای تبلیغی خود را شروع کرد و در هر جا با نهایت شجاعت و ایمان^ع با علم شهر مراوده میکرد و ابلاغ امر الله مینمود که در جلد چهارم مصابیح هدایت بطور کامل مضبوط است . در مدت بیست و سه سال خدمت علاوه از الواج مبارکی که از خاومه مرکز میثاق بنا شد نازل گردیده سی و یک توقیع نیز از حضرت ولی امر الله ارواحنا فداه با عاززش صادر شده است . جناب مطلق با کمال آزادی دامن سیر و گشتد را اطراف و اکناف مشغول بود تا آنکه در مشهد علائم بیماری در وجودش پدیدار گردید از آن موقع چندا شدتی نداشت ولی بعد از مسافرت از آن شهر کم کم شدید

این منظره از بالای تپه های گل کاری شده قصر سا شکوه و زیباست که بشرح و وصف درنمیآید . شب را داخل قصر در یکی از اطاقها استراحت نمودیم داخل قصر هیمنه مخصوصی دارد بهمان وضع و ترتیب و عیشتی که در زمان مبارک بوده حفظ شده است نزدیک در ورود بیانات مبارکه خطاب به پرفسور ادوارد برون مستشرق انگلیسی به دیوار آویخته شده است " الحمد لله فائز شدی بملاقات مسجون منقذ آمدی جز صلاح عالم و آسایش ارم مقصدی نداریم معذلسک ما را از اهل نزع و فساد شمرده اند و مستحق سجن و نفی به بلاد ... آیا اگر جمیع ظل در ظل یک دین متحد و مجتمع گردند و اینها بشر چون برادر مهر پرور شوند روابط محبت و یگانگی بین نوع انسانی است حکام یابد و اختلافات مذهبی و تباین نژادی محو و زائل شود چه سببی و ضرری دارد ... بلی همین قسم خواهد شد جنگهای بی ثمر و نزاعهای مهلکه منقضی شود و صلح اعظم تحقق یابد ...

آیا شما در ممالک اروپ محتاج بهمین نیستید و آیا همین نیست که حضرت مسیح خبر داده با وجود این مشاهده میشود طغوک و زمامداران ممالک شما کنوز ثروت و خزائن را عوض اینکه در سبیل آسایش نوع انسان انفاق کنند بکمال آزادی و خود سرانه در راه اضمحلال و هلاکت اهل عالم صرف مینمایند نزع وجدال و سفک دماء باید منتهی شود و جمیع بشر یک خانواده گردند لیس الفخر لمن یحب الوطن بل لمن یحب العالم ... عکسهای قدیمه الواج و آثار مقدسه مبارکه خدلولت و نفیسه تصاویر سلاطین که از ابتدای امر به مخالفت و معاندت قیام نموده بودند تمام محفوظ و مضبوط است از جمله عکسها عکس سلطان عبدالحمید و سلطان عبدالعزیز و پادشاه دولت عثمانی سابق است که جمال مبارک را در سجن اعظم قشله عسکریه عکاس محبوس و مسجون نموده بودند خیال میکردند باین وسیله امر الله را محو و از انتشارش جلوگیری نموده اند لکن آنها

اهمیت خط

احمد یزدانی

یکی از مسائل مهمه امری که باید مورد توجه اولیای محترم اطفال و مریضان و مخصوصا نویسندگان مقالات نظم و نثر - قرار گیرد توجه بحسن خط و حسن ترتیب و لطافت اوراق مرقومه است - اطلاق همه میدانیم که شارع مقدس دیانت بهائی جمال اقدس ابهسی جلالت عظمته میفرماید: "کتب علی کل باب تربیة ابنه و - بنته بالعلم والخیر و دونهما عما حدوفی اللوح" در این آیه مبارکه کتاب اقدس تعلیم خط مرفیق و متعاقب علم بصورت رجوب شرعی از قلم اعلی صادر گشته و بر همه اهل بها فرض است که در تعلیم خط اطفال خود سعی و کوشش نمایند بدیهی است هر نویسنده اگر ورق مرقوم را خوش خط و با اسلوب - شایسته مرقوم دارد بیشتر مورد توجه خواننده قرار میگیرد و بالعکس هرگاه مطالب مهمه با خط غیر مرغوب و لایق و بی ترتیب و بصورت غیر مطلوب نوشته باشد خواننده یا رغبت بخواندن نمیکند یا با زحمت و نفرت و عدم توجه میخواند و اثرات مطلوبه هم حاصل نمیشود این است که امر بتعلیم خط نازل شده و بهمین - مناسبت است که کلیه الواح و آثار مبارکه نازله از قلم اعلی یا از کلام مقدس حضرت نقطه اولی روح ماسواه فداه ویا از یراعه عمای مقدسه حضرت عبدالبهاء و حضرت ولی امرالله ارواحنا لمجهزاتهما الفدا هم در غایت خوش خطی و شکوه و هم در فنون خط و اسلوب - تحریر بدع میباشند و در انتخاب کاغذ نیز نهایت لطافت و زیبایی منظور گشته بطوریکه یکی از مزایای اینظهور

مبارک شده اند که جلوه آنها هر بیننده و خواننده الواح اصل را خیره و متحیر میسازد و بر همین سبک کلیه طائفین حول و سواد کنندگان الواح و کتاب آثار از قبیل نفوس مقدسه زین المقربین و مشکین قلم و - بسیاری دیگر نظیر نبیل اکبر و ابوالفضائل و غیرهم همه آثارشان بحسن خط و لطافت تحریر مزین و آراسته بوده خط ولذت روحانی زائد الوصف از زیارت و - قرائت آنها آثار گرانبها بر هر خواننده دست میدهد و همه آن آثار مکرمه شاهکار زیبایی و مفاخر بهائی و مورد علاقه و حفظ نفوس و شایان ارائه بارباب ذوق و سلیقه بوده و هست اینک یکی دیگر از زیانانات مقدسه جمال اقدس ابهسی عز اسمه الاعلی که دلالت بر کمال علاقه مبارک بحسن خط احبای الهی دارد نقل میگردد قوله الاعلی در لوح امین: ((مالمب دیگر آنکه حسب الامر یکسوب عبای بسیار خوب مرغوب ممتاز از عباهای نائین ویا احسا - تحصیل نمائید و بمعلم اطفال جناب سمندر علیه بها - الله الابهی باسم حق بدید چه که مدتی قبل خطوط اطفال را که نزد من تحصیل مینمودند بساحت اقدس ارسال داشتند و باو وعده خلعت داده شد مکرر فرمودند باید عبای ممتاز باشد))

در این ظهور مبارک کلیه شئون اهل بها باید مقرون - بدلفات و نفاقت و زیبائی و کمال باشد و یکی از آن شئون مهمه زیبائی و حسن خط است که آثار باقیه ظاهره انسانی است

تاریخ تعالیم و عقاید زردشت



تاریخ دقیق ظهور حضرت زرتشت پیامبر ایرانی مورد — اختلاف مورخین و مستشرقین است بعضی با اختلاف چند هزار سال بیان کرده اند مورخین و دانشمندان قدیم و جدید نویسندگان اسلامی و مستشرقین مانند افلاطون هرودت . گزنفون . میرخواند . ابن اثیر . مسعودی . دارمستشر . مستر جکسن هریک بنحوی درباره زرتشت و تاریخ پیدایش او اظهار نظر کرده اند ولی قول فاضل و نظر قانع بیان مبارک حضرت عبدالبهاست که میفرماید (حضرت زرتشت از پیغمبرانی است که بعد از حضرت موسی مبعوث شدند و این بنصورتاریخ نیز مثبت) و در جای دیگر میفرماید (. . . آن کوکب نورانی درین حضرت موسی و حضرت عیسی الموع نمود یعنی تقریباً ۷۵۰ سال بعد از موسی)

بنابر بعضی تواریخ ظهور زرتشت از آذربایجان بوده و دارمستشر او را اهل مدی دانند که برای تبلیغ بباختر آمد . ابن اثیر و طبری گویند از فلسطین بآذربایجان آمد حضرت عبدالبها . نیز سفر فیلسطین را تصدیق فرموده و دریکی از بیانات مبارکه میفرمایند که زرتشت در فلسطین بعضی انبیای بنی اسرائیل را ملاقات نمود . باری در ۲۰ سالگی در کوه سبلان منزوی در ۳۰ سالگی مبعوث گردید و پس از ده سال رنج و مشقت کسی جز پسر عمیش دعوت او را اجابت ننمود در اوستا آمده که با اسبش در سر مایلر زید و کسی او را پناه نمیداد در گاتها میفرماید (۱) مزدای خود بنگر مرا — پناه ده . . . بکدام خاک روی اورم بکجا رفته پناه جویم) بالاخره جلای وطن نموده ببلخ نزد گشتاسب شاه کیا ن رفت و او را بکیش خود بخواند و دو سال با بخردان و درباریان مذاکره نمود تا گشتاسب و خانواده اش بیاومؤمن شده بسرعت کیش او در ایران منتشر شد و تا عهد و آسیای صغیر پیشرفت . شاه توران (هیاطله) بنام ارجاسب از این واقعه خشمگین شده با سپاهی بایران حمله کرد و زرتشت در آتشکده بلخ بدست تورانور فرمانده لشکر توران شهید شد شرح این حادثه را دقیق بنظم آورده که فردوسی آنرا در شاهنامه آورده است . موبدان یعنی روحانیون این دین خود را از نسل فرزند اول زردشت میدانند (همچنانکه کهنانت در خاندان هارون و امامت در — (۲۵۵)

آهنگ بدیع

سترچگسن ودگتر مولتن حقیقی که پس از حمله اسکندر
از این مذهب باقیمانده فقط سه شعاربندار گفتار
و کردار نیک است .

اردشیر بابکان چون خود موبد و مستولی آتشکده ناهید
(اناهیتا) در فارس بود دیانت و سیاست را درهم
آمیخت و موبدان قدرت زیادی کسب نمود . بتلوریکه
انتخاب شاه ساسانی بتصویب شورای مذهبی میرسید
و در صورت لزوم آنها را از سلطنت خلع میکردند (نظیر
قدرتی که پایها در قرون وسطی بدست آورده بودند)
حمله اعراب اساس این دیانت را درهم نوردید و اسلام
جانشین آن در ایران گردید زرتشتیان اگر مسلمانی
قلیلی به هند و نقاط امن و کوهستانی پناه برده و -
گاهگاهی در اول تاریخ شور شهبائی در زمان خلفا برپا
مینمودند مانند قیام قارن بابلک ما زیار مقنع و غیره
نوشتجات آنان بار دیگر دستخوش چپاول گردید عمر
خلیفه ثانی در پاسخ مکتوب سعد بن ابی وقاص راجع
بآثار زردشتیان نوشت اگر کتب آنها برحق و راهنمای
خلق است که ما بهتر از آنها داریم و اگر باطل است
بختی نیست در هر حال در آب انداز . کتب آنها در قرن
سوم هجری در عهد مجدد تدوین گردید و تحریفات
در آن بعمل آمد مسلمین باز زردشتیان مثل اهل کتاب
رفتار نموده از آنها جزیه میگرفتند و از حضرت علی
روایت شده که فرمود از این نطایقه مانند اهل کتاب
جزیه بگیرد (صحیح بخاری) ولی بعضی فقهای -
اسلام آنها را جزیه شرکین خواندند زیرا در قرآن
بصراحت ناهی از زرتشت برده نشده در سوره ق -
میفرماید (کذبت قبلهم قوم نوح واصحاب الرس و
شود) و در سوره فرقان نازل (وهادوا نمود واصحاب
الرس) در تفسیر عافی رس را رودی در آذربایجان
داند حضرت عبدالبها میفرماید مرا و از اصحاب
رس پیروان زرتشت میباشند که در حوالی رود ارس مبعوث
گردید

در زمان ناصرالدین شاه شخصی بنام مانگی صاحب

خانواده حضرت علی برقرار شد (طبقات روحانی این
دیانت بدینقرا است : ۱. زره تمشترومه (یعنی همانند
زردشت) حالیه وجود ندارد ۲ دستور ۳ موبد ۴ -
میرید ۵ مغان اندر زید (نظیر مقامات روحانی مسیحیان
۱ پاپ ۲ کاردینال ۳ مزاران ۴ اسقف ۵ کشیش)
مرکز روحانیت این دیانت شهر ری بود موبد بزرگ -
بنام مه مغان (مانند واتیکان مقرر پاپ) این شهر
زمان مهدی خلیفه عباسی مفتوح گردید و بدینوسیله
مرکزیت این دیانت از بین رفت کتاب آسمانی این دیانت
بنام اوستا یا ابستا معروفست بمعنی شریعت محکم
و ان عبارت از بیانات شفاهی زرتشت میباشد که بدستور
گشتاسب بر روی پوست گاو بالالای تاب نوشتند ولی زمان
اسکندر در آتش سوزی تخت جمشید بسوخت و قسمتی از
اینرا یونانیان ربودند و زیاده از پنج قرن ونیم این
دیانت فاقد کتاب و مرکزیت بود و مردم ه ابق بافتاوی
فقهها عمل میکردند . اردشیر بابکان پس از جلوس بتخت
شاهی امر بتدوین اوستا نمود و شورای مذهبی به ریاست
تندیس میرید میریدان تشکیل داد و آنها از -
موقوفات خود اوستا را تهیه نموده و تنسرنیز بیونان رفته
قسمتی از اوستا را که در آنجا بود بایران آورد و ایسن
جمع آوری تا زمان شاپور دوم ادامه داشت در اینزمان
موبد موبدان بنام آذرباد مار اسپند اوستا را تدوین
و رسمیت آنها اعلام نمود بدینوسیله روح اوستای اصلی
که شکل و ماهیت اولیه خود را از دست داده بود -
بوجود آمد البته موبدان نظریات خود را که مطابق با
ذوق عامه بود در اوستا گنجانیدند و بدعتهایی در دین
گذاوردند (کتاب گنجینه مغان از دکتر مولتن) اوستا که
بزبان اصلی خود بود در اینوقت بزبان پهلوی ترجمه
و نوشته شد و آنرا زند نامیدند و بعد بعضی لغات -
مشکل آنرا تشریح و تفسیر نمودند و آنرا بازند خواندند
ابن اشیر گوید زند بمعنی تفسیر و بازند بمعنی تفسیر
التفسیر میباشد گذشت پنج قرن ونیم حقایق این دیانت
را بکلی از صفحات قلوب زدود و بقول مستشرقینی مانند
(۲۵۶)

قلب اعظم نخست وزیر وقت ملا رانفی بلا نمود زمان مشروطیت زردشتیان بعنوان اقلیت شناخته شده و يك نماینده در مجلس شورای ملی دارند و چون اینطایفه تبلیغ نمیکنند و کسی را جز پارسی خالص بکیش خود نمی پذیرند از آنیزو پیوسته رو بتحلیل رفته و عده کمی هستند که اگر درهند و ایران هستند آثار و معارف آنها کتاب آسمانی اوستا پس از تغییرات و تحولاتی که قبلا بیان شد بصورت فعلی درآمده که شامل ۲۱ نسل - (فصل) میباشد و به قسمت تقسیم نموده اند : ۱- یسناسا بمعنی ستایش شامل ۷۲ بهره است قسمتی از اینرا گاتها یعنی همان سرودهای مذهبی تشکیل میدهد - صحیح و قدمت این قسمت بیشتر مورد تأیید تاریخ است زیرا از لحاظ موزون بودن درخااره ها محفوظ مانده است ۲- ووندیداد بمعنی قانون شامل قوانینی برضد تبه کاران است شامل ۲۲ فرکرد (فصل) میباشد ۳- ونسپرد بمعنی سروران شامل چندین کرده (فصل) است ۴- یشتها بمعنی نیایش دارای ۲۱ بخش است و هر بخشی درنعت و ستایش یکی از ایشا سپندان - (فرشتگان) میباشد - ۵- خورده اوستا - این قسمت از روی اوستای بزرگ توسط آذریاد ماراسپند تدوین کننده اوستا نوشته شده و شامل چند رشته است از کتب مقبره دیگری که بزبان پهلوی توسط موبدان نوشته شده : دینکرت - دربارہ تاریخ و تعالیم زردشت و نجوم و سایر علوم بحث میکند صد درند پیش - نصیر دینکر د میباشد - ماتیکان هزارادستان دادستان دینیک روایات هرمزبار - این سه کتاب شامل فتاوی فقها زردشتی دربارہ مسائل مختلفه دینی است - ارتا ویرافنامه - نویسنده آن بنام ارداویراف داستان معراج رفتن خود و باز دید از بهشت و جهنم را در حالت خلصه و رویا شرح میدهد - ساتیر آسمانی - این کتاب شامل نامه های ۱۵ نفر از بزرگان و اولیای ایسن دیانت است که در قرن ۱۰ هجری در هند تدوین شده و بنظر زردشتیان و گروهی دیگر محبوب و ساختگی است

از طرف انجمن زردشتیان هند بسمت نمایندگی در دربار ایران تعیین شده و مأمور رسیدگی بوضع زردشتیان گردید وی پس از مسافرت بشهرهای مختلف دریافت که پارسیان از لحاظ مادی و معنوی فقیرند از شاه قاجار تقاضا نمود که اینطایفه را از پرداخت جزیه معاف دارد و متعهد شد که جمع مبلغی که از آنان اخذ میشود از طرف انجمن زردشتیان هند بپرد از این پیشنهاد مورد قبول واقع شد آنگاه بتأسیس مدرسه فی در اهران اقدام و معلمینی از سایر ادیان استخدام نمود (یکی از معلمین جناب ابوالفضائل گلپایگانی بود) مانگجی بحضور جمال مبارک درینند اد رسید و عریضه فی نیسز بعد بنا بساحت اقد سحر معروض داشت و در پاسخ اولوچی که بنام مانگجی معروفست شرف نزول یافت - بعد از او کیخسرو جی از طرف انجمن زردشتیان هند بایسن سمت انتخاب شد وی برای جلوگیری از خالتهای موبدان بتقلید از هند انجمنی در یرزد تشکیل داد که حالیه در تمام شهرهای زرتشتی نشین ایران وجود دارد و چون اولین انجمن در یرزد در زمان ناصرالدین شاه بوجود آمد آنرا انجمن ناصری نامیدند که اکثر اعضای آن بهائی پارسی نژاد یا از محبین آنان بودند مانند استاد جوانمرد شیرمرد (از شاگردان ابوالفضائل در مدرسه مانگجی) ویلا بهرام که سدره و کشتی (جامه عبادت) از تشر در آوردند و ماستر خدابخش که بفرموده حضرت عبدالبهاس بتحریر (دستوران بهمنش) شهید شد مناجاتی بفارسی بافتخار انجمن ناصری از کلک گهر بار حضرت مولی الوری نازل شده که برای انجمن طلب تأیید و توفیق نموده تا آنجا که میفرمایند (انجمن فراهم شده و گروهی بعد استان گشته که بجان بکوشند تا از باران بخشش بهره بیاران دهند) کیخسرو جی در راه مسافرت بهند در کرمان بتحریر موبدان مسموم شد و پس از وی ارد شیر جی بسترستی انجمن ناصری تعیین شد وی نیز بفتوی ملا جعفر سبزواری کشته شد و اما

آشننگ بدیع

که سه تایی آن بنام این سه علامت نامیده شده -
 طبقه اول پندار نیک مکان آن در ستارگان طبقه دوم
 گفتار نیک محل آن در ماه و طبقه سوم کردار نیک
 است که مکان او در بلندترین روشناییهاست (-
 (ارداویرافنامک) روح شخص برهیزکار پس از رسیدگی
 بحساب و کتاب آن توسط دوفرشته روشنایی و عدل -
 (میترا - چنوه) و گذشتن از یل چینوات (پل صراط
 از این سه طبقه گذشته بدایقه چهارم که محل فروغ
 بی پایان (انیران) و عرش خدا (گرزمان) است میرسد
 وساحت اهورامزدا در میاید آنگاه فرشته بهمن از -
 تخت زرین پائین آمده او را استقبال مینماید و در سرای
 (بهشت) جای میدهد ولی پل برای گناهکار از لبه
 تیغ تیزتر و از مویاریکتر گردیده و چون قادر بگذشتن از
 آن نیست به دوزخ (دوزانگه) پرتاب میشود و پس
 از طی سه مرحله پندار گفتار و کردار زشت بفضای
 تیرگی بی پایان که مقر اهرمن است واصل میشود
 (وندیداد فرکرد ۱۶ و ۱۷)
 ۳- پاکی برون - عبارت از احترام بعناصر اربعه .
 آب خاک باد و آتش است که جز " مطهرات بودند
 و با احترام بآنها مینگرند و این عناصر را فرشتگانی چند
 حاضی و محافظتیه که آنها را در مواقع معین ستایش
 میکنند مانند اردیبهشت و آذر فرشتگان آب خورداد و
 ناهید امشاسپندان موکل آب در اوستا آمده زنیکیسه
 بچه مرده بزاید باید ۲۱ روز سه گام از مرد وسی گام
 از آب و آتش دور باشد (وندیداد)
 عبادات - در این دیانت انواع اوعید و نیایش
 وجود دارد از آن جمله مانند اسلام نمازهای پنجگانه
 در شبانه روز دارند که قبل از نماز باید وضو گرفت و در
 صورت اضطراب تیم نمود و برای خواندن نماز جامه نخی
 میپوشند بنام سدره که از ۶ پارچه سفید پاک و گشاد
 تشکیل شده و سررا نیز میپوشانند (یسنا فقره ۱)
 و نیز کمربندی بنام کشتی می بندند که از ۲۲ نخ
 پیچیده شده (نماز ۷۲ بپره و یسنا ۷۲ فصل دارد)

ولی از بشاراتی که درباره امر مقدس بهائی در آن نگاشته
 رفته صحت و اصلت آنرا نمیتوان انکار نمود گرچه ممکن
 است مانند سایر کتب تحریف شده باشد عقاید و تعالیم
 زرتشت - اساس این دیانت بر سه پایه استوار است .
 ۱- یکتاپرستی - در این دیانت خدا را اهورامزدا خوانند
 (بمعنی من ذات هستی و دانای بیهمتا) همچنانکه
 یهود خدای خود را یهوه و نصاری رب سماری و مسلمین
 الله میخوانند . در این مذهب امشاسپندان (فرشتگان)
 زیادی وجود دارند که ۶ تایی آنها جز " ملائکه مقربین
 و بمنزله وزرای اهورامزدا بوده و با او مجمع عفتگانسه
 روحانی را تشکیل میدهند و هر یک از آنها نیات اهورامزدا
 را در عوالم مختلفه اعمال مینمایند و موکل و مسئول -
 موجودات طبیعی در عالم خاک و نماینده بعضی از -
 صفات الهی در جهان پاک میباشد و سعادت و نجات
 در پیروی از صفات آنان حاصل میشود . ارواح خبیثه
 نیز در برابر امشاسپندان وجود دارند که بنام دیوان
 معروفند و در رأس آنها اهرمن قرار گرفته که مردمانرا
 بکارهای زشت و امیدارند اهرمن نیز مانند اهورامزدا
 وزیر دارد که او را در اجرای ضوابط کمک مینمایند .
 خوبیهای جهان ناشی از اهورامزدا و ولیدیه از اهرمن
 میباشد و عموماً بین این دو نیرو مبارزه ادامه دارد
 تا در یوم آخر غلبه با اهورامزدا بوده اهرمن از زمین
 خواهد رفت (وندیداد باب ۱۱ آیه ۶ - یشت باب
 ۱۱ آیه ۱۶) همچنانکه شیطان در قرآن آخر شکست
 خواهد خورد (سوره ۴۵ آیه ۷۶) خدائیکه در اوستا
 بخش ریستا آمده ذاتش محل حدوث حوادث نبوده فاروق
 بین حق و باطل قبله نیاز خالق جان و وجدان .
 آفریدگار آب و درختان و هر چیز دیگر است فضل و عنایت
 او بی پایان با سرار خفی آگاه دانا توانا بینا عالم
 قاهر قادر رحیم بصیر و سرچشمه پاک است .
 ۲- پاکی درون - عنایت از سه شعار مقدس و عالی و -
 اخلاقی پندار نیک (هومت) گفتار نیک (هوخت) و
 کردار نیک (هورشت) میباشد بهشت ۴ طبقه دارد

آهننگ بدیخ

- ۴- از ۲۶ تا ۳۰ مهر نباتات خلق شده
- ۵- از ۱ تا ۶ تیر ماهی جانورین ظاهر شدند
- ۶- پنجه آخر سال یعنی ۵ روز فروردین مانده انسان خلق گردید. این ۶ ماه را گاهنبار گویند و روز آخر هر دوره را جشن میگیرند (کتاب صد درند بشر فصل ۲۵)
- نوروز - این روز را بعقل مختلف جشن میگیرند
- ۱- پیاسر پایان خلقت
- ۲- بعقل مساوی شدن شب و روز تابش شمس بمرج حمل و این روز روز تابش آفتاب و باد های باران دهنده است - (روایات هرمزد یاری)
- ۳- نزول فروهرها - فروهر یکی از پنج نیروی باطنی است (اهو - دین - بئوذ - اوردان - فروهر) که پس از مرگ باقی است و فروهر نیاگان هر سال اول فروردین ماه برای دیدن سروسامان خانمان خود از عالم پاک بجهان خاک آمده ده روز توقف میکنند (فروردین پشت فقره ۴۹) از این روز تشتیان سرو وضع و منزل راتزین نموده برای - اشتقبال از فروهرها خود را آماده نموده و در نوروز بدیدن هم میروند و نزول فروهرها را بهمد یگرتبریک میگویند
- ۴- در روز جمشید جم تختی از طلا بساخت و بر روی آن نشست و دیوان در ریکروز از د ماوند بیابل بردند ششم فروردین ۷۲ واقعه مهم تاریخی و مذهبی در آن اتفاق افتاد مانند تولد و بعثت زردشت ایمان آوردن گشتاسب تولد و عروج کیخسرو کیانی با آسمان تولد هوشنگ و کیومرث از شاهان پیشدادی پیروزی تهمورث کشتن افراسیاب و غیره جشن سده - ۵۰ روز نوروز مانده است در این روز هوشنگ شاه آتش را کشف نموده قبله قرارداد
- اعیاد دوازده گانه - مطابق با گاهنمای (تقویم) - زردشتی سال ۱۲ ماه و هر ماه ۳۰ روز است با اضافه پنجه آخر سال که هر ۴ سال ۶ روز میشود و هر ماه روزی متعلق بیک فرشته است نام هر روزی با ماه خود تطبیق نماید آنرا جشن میگیرند بنا بر این ۱۲ جشن (هر ماهی یکروز) باین مناسبت وجود دارد مانند فروهر نیاگان که ۱۹ فروردین بقیه در صفحه ۶۵ (۲۶۹)

وسه بار باید دور کمر پیچید (علامت سفه نشانه پندار و گفتار و کردار نیک) و درستن آن ۴ گره باید بخورد (اشاره به ۴ آخشیج) نماز نسوی نور و روشنائی از قبیل آتش خورشید و چراغ صورت میگیرد و زینور و آتشکده ها - همواره آتش روشن است. افراط در پرستش آتش و آفتاب و امشاسیندان خالی از شاکبه بت پرستی نیست و این امر نفوذ مذهب مهر پرستی (آفتاب پرستی) را در آئین زرتشت ثابت میکند. جمال اقد سارابی راجع - بآتش در لوحی خطاب بیکی از یارسیان میفرماید قوله تسالی (و چون حرارت را که مایه حرکت و صعود و سبب وصول بمقصود بود اختیار نمود لذا آتش حقیقی را بید معنوی بر افروخت و بسالم فرستاد تا آن آتش الهیه کل را بحرارت محبت رحمانیه بمنزل دوست یگانه گشتاد و صعود و هدایت نماید اینست سر کتاب که از قبل فرستاد شد و تا کنون از دیده و دل مکنون بود اکنون آن آتش آغاز بروشنی تازه و گری بی اندازه هم یلداست این آتش بخودی خود بیمایه و دود روشن و پدیدار روزی بمفهوموی که در سایر ادیانست در این دیانت تجویز نشده تنها ۴ روز در ماه راکه متعلق بفرشتگان حای حیواناتست از خوردن گوشت برهیز میکنند و فرموده - حضرت عبدالبها * در این ایام (فرموده اند بایست بنم روحانی و مائده آسمانی برداخت) زن دستان (در حال قاعدگی) از انجام مراسم دینی معافست و درونداد کهاره مردیکه با چنین زنی نزدیکی کند کشتن هزاران مار و عقرب (حرفستران) تعیین کرده است

اعیاد و جشنها - در این مذهب جشنهای متعدد

بعقل مختلفه میگیرند از اینقرار ۱۰ گاهنبار - بنظر این دیانت خلقت عالم در یک سال ۶ دوره (هر دوره ۵ روز) انجام گرفت باین ترتیب :

۱- از ۱۱ تا ۱۵ اردیبهشت آسمان بوجود آمد

۲- از ۱۱ تا ۱۵ تیر آب خلق شد

۳- از ۲۶ تا ۳۰ شهریور زمین آفریده شد

نامه از بایک مهاجر

دوست و همکار عزیز ما جناب محمود مجذوب که از اعضای فعال هیئت تحریریه آهنگ بدیع بوده و در سال گذشته موفق به جرت بکشور نروژ گردیدند در کشور مزبور بموفقیت های تبلیغی جالبی نائل آمده اند و شمه ای از این فعالیتها ذیقمت را طی نامه ای برای آهنگ بدیع ارسال داشته اند که ضمن اظهار تشکر از این دوست عزیز ذیلا خلاصه ای از نامه ایشان را بنقل خوانندگان ارجمند میرسانیم
هیئت تحریریه



الحمد لله ربنا البهی الابهی که امر عزیز و قاهر اسم اعظم در این صفحات که مجاور قطب شمال است روز بروز در حال پیشرفت و نفوذ است و سمرور ایلم مردم این سامان از حقایق آئین نازنین الهی و هدف و مقصد اهل بهما مطلع میگرددند و در قلوب برخی از آنان بارقه ایمان درخشیدن - میگیرد اینک شمه ای از بشارات مسرت بخش این سامان را مختصرا مسرود میدارد

۱- روز یکشنبه سوم دسامبر مطابق بادوازدهم آذر - ۱۳۴۰ جلسه ای عمومی در هتل بزرگ شهر استوانگر Stavanger نروژ منعقد گردید و حسب الامر لجنه تبلیغ قرار بود این عبد در خصوص ظهور دیانت بهائی در ایران صحبت نماید . قبل از تشکیل جلسه دو سه روزنامه محلی اعلاناتی راجع بآن چاپ شد و علاوه این عبد باتفاق یکی از احبای الهی با اداره روزنامه

ROGALANDS AVIS روگالاند اویس که قدیمی ترین روزنامه محلی است رفته و مصاحبه ای با خبرنگار روزنامه مذکور که خیلی نسبت بامرالله علاقمند بود بعمل آوردم که فردای آن روز خلاصه مصاحبه با عکس از این عبد در روزنامه مذکور آنها در صفحه اول چاپ شد و نام حضرت بها * الله و دیانت مقدس بهائی بهمه اهالی ابلاغ گردید . این روزنامه راجع بامرالله چنین نوشته است : (جامعه جهانی بهائی روز یکشنبه آینده در هتل اتلانتیک جلسه عمومی دارد و محمود مجذوب راجع بظهور و رشد اولیه دیانت بهائی در ایران صحبت خواهد کرد . مجذوب مبلغ دیانت بهائی فعلا در استوانگر سکونت دارد و مصمم است اول زبان نروژی را یاد گرفته سپس فعالیت خود را شروع کند . دیانت بهائی در سال ۱۸۴۴ - بوسیله حضرت بها * الله تأسیس شد و هدف آن وحدت عالم انسانی و تطابق دین با علم و عقل است و بوحدت - اساس ادیان ناظر است مجذوب در اداره روزنامه اظهار داشت که امر بهائی اکنون بتمام ممالک و نقاط عالم سرایت نموده و مهاجرین و مبلغین بهائی در همه ممالک وجود دارند او گفت که در طهران و حومه در حدود ۴۰ هزار نفر بهائی وجود دارد)

محبت

کیت نشریه جدید

چندی است محفل مقدس روحانی ملی عربستان شیدالله ارکانه اقدام به تهیه نشریه ای بنام (محبت) زبان فارسی نموده است که اخیراً شماره (۱۹ - ۲۰) آن واصل گردیده است. این نشریه که بقطع کوچک و با استنسل تهیه میشود شامل الواح و آثار الهیه اخبار و اشارات عالم بهائی و مقالات و اشعار امریه است البته این نشریه هنوز مراحل اولیه خود را طی میکند و ما ضمن ابراز مسرت از انتشار چنین نشریه ای در عالم امر امید و ابرم درآینده مراحل ترقی و تکامل خود را سریعاً به پیماید و ذیلاً یک قسمت از مندرجات نشریه مزبور را برای استفاده و اطلاع خوانندگان عزیز درج مینمائیم .

هیئت تحریریه

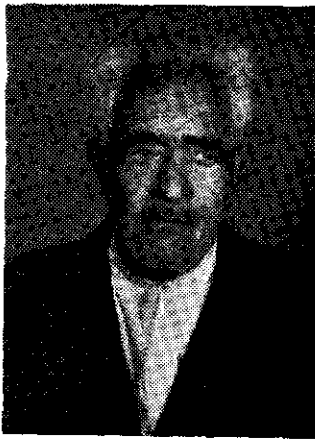
استخراج از مرقومه شریفه حضرت ایادی امرالله میرزا طراز الله سمندری علیه بها * الله :

" . . . چندی است روابط تحریری با آن مهاجرین عزیز مقطوع شده و کما ینبغی از حالات شما اطلاع ندارم لکن همواره بیاد آن عزیزان و خادمان امرالله بوده و هستم بالاخص در این ایام که بناچار و اجبار در طهران بودم و بستری جمعی از دوستان مقیم عربستان را در اینجا ملاقات و زیارت کردم و حقیقتاً از فیض حضور آنها بهره مند گشتم . . . یکماه ونیم است در طهران بستری و یکماه شبها خواب نداشتم تا اینکه بفضل و عنایت الهی وهم عالیه جناب دکتر جمشید سمندری که دو ماه ونیم است باینده همراهند و بسیار برای بنده زحمت کشیده اند و رنج برده اند تا الحمد لله صحت حاصل شد ولی عوارض مرض رفع نشده انشاء الله بخواست خداوند آنهم زائل میشود و صحت کامل عود مینماید تا سمندری بتواند مجدداً بخدمات و حرکات مذبحه خود ادامه دهد و تائفن اخیر با تأییدات شدید - متابعه حضرت قوی تدبیر باعجز و انکسار تمام بنصرت و خدمت و عبودیت آستان احدیت پردازد او است قادر و توانا .

. . . رجاء دارم از ارف این عبد حقیر افقر حضور جمیع مخلصین و مخلصات و پیر و جوان خضوع و خشوع قلبی و سلام و تکبیر برادرانه ابلاغ فرمائید جمیع احبای ایران بعموم مهاجرین اشواق قلبیه و خلوص فطریه و تکبیرات بدیعه دارند امتازه مهی ندارم الا آنکه عرفان و ایمان یک قسیس کانادائی از اهل کلیسا راهیئت ایسادی امرالله از ارض اقدس بشارت داده اند که ایمان خود را بحضرت بها* الله جل ذکره و ثنائیه که رجعت موعود حضرت مسیح است بکلیسا رسماً نگاشته و استعفا از خدمات کلیسا داده اند و اینکه بعضی تصور مینمایند که من از حضرت مسیح علیه السلام روگردانیده ام ولیکن نمیدانند که من بموعود مسیح متوجه شده ایمان آورده ام و - بمسیح تقرب جسته ام و نزدیک شده ام و فرمان واجب الاذعان او را اطاعت کرده ام بازی معلوم است توجه این قبیل نفوس بشریعه الله در نزد اهل کلیسا چقدر مهم است و افکار متعصبین را چگونه پریشان مینماید و قلعه وجود آنان را متلاشی میسازد شبهه ندارد بعد از این قبیل نفوس زیاد مبعوث خواهند شد و لوا* وحدت و پرچم صلح و اصلاح را در دوش کشیده غافلین را بیدار و نائمین را هشیار مینمایند " انتہی

طریقہ بہتر از مہرو و فانیست

تہنہ و تنظیم: بدرالدین بابستانی



از جملہ احبای ثابت قدم اردستان مرحوم احمد
احمدیان بود . پدرش مرحوم رضای مومن پیادہ بیند
رفته بشرف حضور جمال قدم جل اسمہ الاعظم و حضرت
عبدالہیہ ارواح المخلصین لہ الفدا مشرف شدہ بود
واز فم مبارک این شعر را بیاد داشت کہ :

طریقہ بہتر از مہرو و فانیست

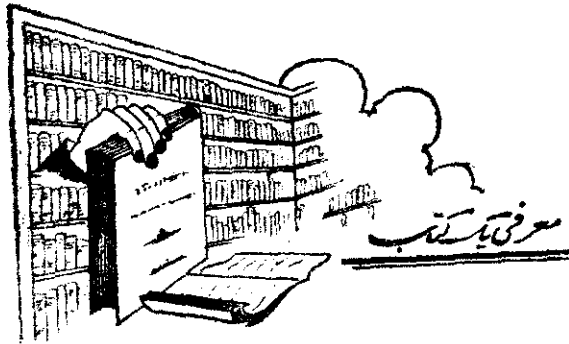
ولی افسوس آن در عہد مانہست

مرحوم احمد احمدیان پیوستہ نقطہ نظر گاہر وفاداری
بقبہ علیا بود و روش و سلوکش در طریق اہل وفا اسباب
معیشتش امر زراعت بود و تعلق خاطرش بخدمت و عبادت
سالہا عضو محفل اردستان بود و قریب نود سال در
خدمت دوستان و اواخر ایام بعلت ضعیف پیری خانہ
نشین شدہ بود اوقات بدعا و مناجات و تضرع و تبیتل

میگذرانید کہ حوادث ولایای رمضان ۱۳۳۴ آغاز گردید مردم اردستان و دہات اطراف هجوم شدید آوردند
اموال بخارت بردند زراعت ضایع نمودند اشجار قطع کردند راہ ہا را بستند احبارا در خانہ ہاشان محبوس و از
ہر آزادی محروم داشتند شدت ضرب و شتم ایشانرا بمسجد میبردند و توبہ میدادند شیعی در مسجد شور کردند
کہ تنها احمد احمدیان ماندہ است با اہل و نقارہ و بانگ و فریاد بخانہ او هجوم بردند بسختی او را مضروب
ساختند و از پشت بام فرو انداختند و باز براو هجوم آوردند و بسیار بزدند و در جوی آب افکندند و سرش زیر آب
کردند و پیکرش بلجن بیالودند سپس بیرون کشیدند و آنقدر خاک براو ریختند کہ او را مردہ ہنداشتند اما روح ایمان
آن مرغ باغ رضوان را حیات تازه بخشید بعد از دور شدن ستمگران برخاست و بخانہ رفت و شکر محبوب یگانہ بجای
آورد کہ از جام بلا نصیب یافت و از بوٹہ امتحان چون ذہب ابریزد رخسید تا باز عوام باخبر شدند و در نیمہ شب
هجوم آوردند از بسترش بیرون کشیدند و باہمہ و ریختن حواب بدیدند و نوہ شمشادہ او عنایت نام را با مال جفا کردند
و کودک مصوم را بفیض شہادت رسانیدند و مرحوم احمدیان را با سنگ و چوب آنقدر زدند کہ یقین بر شہادتش
کردند پس بر او رجاست و رار افشانند و رها کردند و رفتند برخاست و بخانہ رفت پس از چند روزی خبر یافت
کہ درختان انارستانش را شکستہ اند و انارہای نارس را فرو ریختہ اند برای سرکشی روانہ باغ شد بناگاہ مردم بباغ
ریختند او را گرفتند شدت مضروب ساختند البسہ و محاسن او را سوزانیدند و چون سراپا برهنہ شد بگوشش زخم زدند

مطالع الانوار

THE DAWN-BREAKERS



ع . صادقیان

که بنفسه بشارت دهندہ اشراق شمس سلالت آتیه الهیه و مقدمه الموع آفتاب جهانتاب سعادت و رفعت و عزت موعود عالم انسانی است . . . در این عصر نورانی که فخر جمیع اعصار است قوه محیطه غالبه الهیه کب در هویت امر عظیم و بطون این دین مبین و شرع مجید مکنون و مستور و مخزون بوده بر عالمیان فائز گشت و در عروق و شریان عالم امکان چون سیل جارف منہم جاری و ساری شد . . .

XXXXXXXXXX

در باره وقایع این امر مبارک تاکنون تواریخ متعددی نوشته شده ولی بشهادت حضرت ولی امرالله ارواحنا لترتبه الفدا " تاریخ نبیل که نگارنده آن خود ایام جمال اقد سرباهی راد رک کرده و سالها پروانه وار گرد شمع جمال محبوب در پرواز بوده است از سایر تواریخ موثق تر و مستند تر است .

جناب نبیل وقایعی را که در تاریخ خود ذکر کرده یا خود ناظر و شاهد آن بوده یا از اشخاص موثق چون جناب میرزا موسی کلیم (برادر حضرت بها " الله) میرزا احمد قزوینی کاتب وحی حضرت اعلی - سید اسمعیل ذبیح شیخ حسن زنوزی و شیخ ابوتراب اشتہاردی که همه از مؤمنین اولیه بوده اند شنیده است .

مہمترین امتیازی که این تاریخ از لحاظ مستند بودن دارد اینست کہ بلحاظ انور جمال اقد سرباهی جل کبریائہ رسیدہ و مطالب آن مورد تصدیق و تأیید مبارک قرار گرفته است . جناب نبیل در این بارہ در مقدمہ کتاب چنین مینگارد : " . . . شکر خدا را کہ مرا

در دیانت مقدسہ بہائی موضوع " تاریخ " وقایع عظیمہ ایکہ طی دورہ یکصد و چند سالہ ظہور این آئین نازنین اتفاق افتادہ فوق العادہ حائز اهمیت است . اهمیت وقایع مہمہ ایکہ مخصوصا در صدر ظہور این امر اعظم رخ دادہ بشہادت آثار مبارکہ بقدری است کہ تاکنون چشم ابداع شبہ و مثل آنرا ندیدہ است . حضرت عبدالبہا " روح مساوہ فدایہ در بارہ دورہ جمال مبارک چنین میفرماید : " قرنہا بگذرد . . . و دہرها بسر آید و ہزاران اعصار منقضی شود تا شمس حقیقت بر برج اسد خانہ حمل الموع و سطوع نماید . . . اولیاء پیشینیان چون تصور تخنیر عصر جمال مبارک مینمودند منصعق میشدند و آرزوی دقیقہ فی میکردند . . . جمیع اولیاء " در اعصار و قرون ماضیہ گریان و - سوزان آرزوی آنی از ایام اللہ را مینمودند و در این حسرت از این عالم فانی بجهان باقی شتافتند . . . " حضرت ولی امر اللہ ارواحنا لترتبه الفدا " در بارہ این وقایع مہمہ و اثرات آتیه آن چنین میفرماید : (۱) " . . . اگر بنظر حدید ملاحظہ نمائید و از آنچه از قلم اعلی و کلک نقادہ اولی ویراعہ مرکز عہد جمال ابہسی نازل گشتہ تدبر و تفرس نمائید معلوم و واضح گردد کہ این تصرفات عجیبہ غریبہ و وقایع ہائلہ خلیسرہ کہ از جریان و شریان قوہ محیطہ ازلیہ دافعہ الهیہ در حقایق ممکنات در سنین اولیه این کور مقدسہ در - عالم امکان ظاہر و نمایان گشتہ کل از نتایج سحر است

(۱) توقیع رضوان ۱۰۵

(۲۶۴)

آهنگ بدیع

سیاق انگلیسی بلسان عربی ترجمه نمود و طبع و نشر گردید .

فاضل جلیل جناب اشراق خاوری علیه بها^۱ اللہ چند سال قبل حسب الامر محفل مقدس روحانی ملی ایران این کتاب را تلخیص و ترجمه نمودند که پس از نشر اول مورد عنایت و قبول هیکل اطهر واقع گردید مندرجات این کتاب طی ۲۶ فصل از شیخ احمد احسانی الی واقعه تیراندازی بناصرالدین شاه - میباشد در نشر جدیدی که توسط لجنه مجلله ملی نشر آثار امری از این کتاب نفیس صورت گرفته علاوه بر شرح حال جناب نبیل اعظم که از "تذکرۃ الوفا" به اول کتاب اضافه شده در حدود ۴۰ عکس بسه مناسبت وقایح از اصل انگلیسی کتاب نقل شده است امتیاز دیگری که نشر جدید بانشر اول دارد - اضافه کردن "فهرست اعلام و اسما" و اصطلاحات کتاب است که طی یکصد صفحه با زحمات فراوان تهیه شده و بآخر کتاب اضافه گردیده و کارخوانندگان و محققین و مراجعین به کتاب فوق العاده سهل و آسان شده است .

بقیه از ص ۲۵۹ تعالیم زردشت

است یا اردبیهشتگان دوم اردبیهشت است تیرگان که ۱۰ تیر است مهرگان (۱۶) مهر و غیره برای هر روزی مراسم خاصی معمول و متداول است در خاتمه مسائل تاریخی این مقاله از روی کتب و تواریخ مختلفه نقل شد و صحت آنها را نمیتوان کاملاً محرز دانست مگر آنچه از قلم مبارک حضرت عبدالبها^۱ ارواحنا فداه صادر گشته است .

بنگارش این اوراق تایید فرموده و آنرا باین موهبت متبارک و مشرف ساخت که حضرت بها^۱ اللہ بنفسه - الجلیل تفضل و عنایت فرمودند و این اوراق را مراجعه نمودند - میرزا آقا جان کاتب وحی در حضور مبارک این اوراق را قرائت نمود و برضا^۱ قبول هیکل مقدس فائز و مفتخر گشت

درباره مولف کتاب مورخ و نویسنده و مبلغ و شاعر جلیل بها^۱ یعنی جناب نبیل اعظم آنچه را که حضرت مولی الوری در کتاب "تذکرۃ الوفا" مرقوم فرموده اند و نامش را جاودا ساخته اند بهتر از هر بیانی میتوان دانست این شخص محترم عالم و دانا بود و فصیح و بلیغ و ناطق و گوینا قریحه اش الهام صریحه بود و طبع روان و شعر مانند آب زلال علی الخصوص قصیده بها بهادرنهایت انجذاب - گفته و مدت حیات را از عنفوان جوانی تا سن ناتوانی بسر عبودیت و خدمت حضرت رحمن گذراند تحمل مشقات کرده و متاع و زحمات دیده و از ثم مطهریدایح کلمات شنیده و تجلی ملکوت انوار دیده و بنهایت آمال رسیده و - عاقبت در فراق نیر آفاق طاق شد بدریازد و فریستی بحرفد اش و بر فیق اعلی رسید

جناب نبیل اعظم اول کتاب خود را بفارسی نگاشته و بلحاظ جمال اقدس ابهی گذرانده بود ولی این کتاب چاپ و منتشر نشده بود تا اینکه حضرت ولی امر الله آنرا اصلاح و منظم و مرتب فرمود بطرح جدیدی فصل بندی نموده حواشی و عکسهای لازمه بر آن اضافه فرموده و پس از ترجمه بانگلیسی از قلم مبارک بنام -

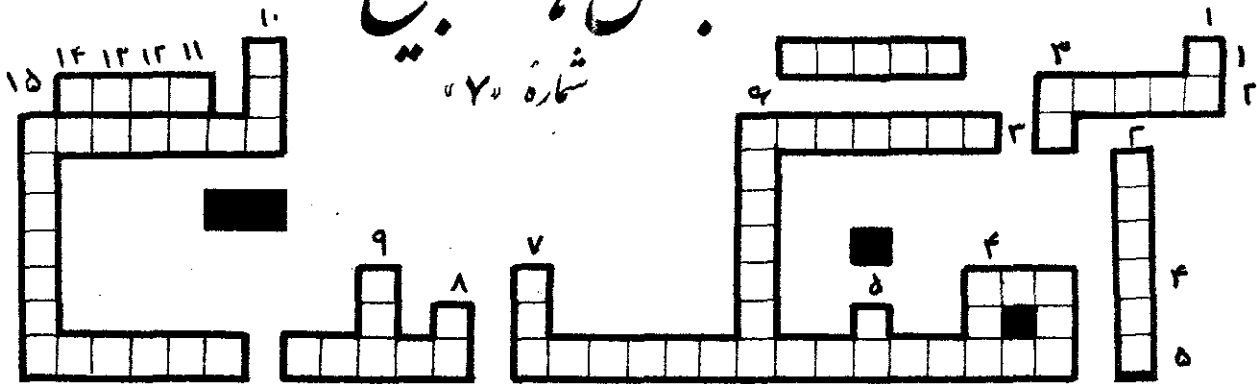
(۱) THE DAWN BREAKERS

در آمریکا چاپ و منتشر شد .

و نیز حسب الامر هیکل اطهر فاضل فقید جناب عبد الجلیل سند (که بعد از صعود بقلب ایادی - امرالله مفتخر شد) این کتاب جلیل را عینا بهمان (۱) سلالع الانوار

جدول اینکتاب بدیع

شماره «۷»



طراح: حبیب الله حسامی

افقی

- ۱- یکی از کتب مقدسه حضرت بهاء * الله ۲- ایادی عزیزا لله از ایران - کتاب
- حضرت بباب ۳- یکی از الواح مقدسه حضرت عبدالبهاء * - کتاب عرفانی و فلسفی
- حضرت عبدالبهاء * ۴- آب ۵- یکی از کمیونتهای فعال تشکیلات جوانان - بیروان
- جمال اقدس ایهی - مجموعه ای از آثار حضرت عبدالبهاء * .

عمودی

- ۱- اگر بانفسریباید منظور پرهیزگاری است . ۲- جسمانی نیست ۳- زبان
- موسیقی - از اعیان مشهور مسیحیان ۴- کلیه افراد واجد شرایط موظف بابدای
- آن هستند . ۵- نه من و نه شما ۶- از آنسوی از القاب حضرت محمد است .
- ۷- از اصطلاحات شطرنج ۸- از اسما * پروردگار . ۹- بنده نیست ۱۰- همه
- دارند ۱۱- حرف اضافه ۱۲- از آنسوی غیر از من و شماست ۱۳- زمین
- میان تهی ۱۴- بوی رطوبت ۱۵- یکی از تمالیم دوازده گانه

آهنگ بنام و خواجه استادگان



جناب رستم اهورائیان که همواره ما را از همکاریها خوشبهرمند میفرمایند مقاله ای تحت عنوان "مقدمه ای بر آئین کنفوسیوس" برای ما ارسال داشته اند که کاملاً قابل استفاده و مفید است .

بطوریکه خوانندگان عزیز قطعا توجه فرموده اند مدتی است تاریخ مختصر ادیان سالفه در آهنگ بدیع بتدریج درج میگردد و مقاله جناب اهورائیان هنگامی بدست ما رسید که شرح شریعت کنفوسیوس در دست تهیه و تکمیل بود . معینا از مقاله جناب ایشان در تنظیم و تهیه شرح مزبور کمال استفاده بعمل آمده و مقاله جناب اهورائیان جزو منابع مطالعه و استفاده در ذیل مقاله اصلی کنفوسیوس ذکر گردید که بنظر خوانندگان عزیز خواهد رسید .

بدینوسیله از همکاری و اظهار لطف آقای اهورائیان متشکریم و خواهشمندیم از این پس نیز همکاری خود را با ما ادامه دهند .

جناب عنایت الله هنرمندان متخلصیه "فانی" قطعه شعری در رثای هیکل مبارک حضرت ولی امرالله سروده اند که چند بیت از آن ذیلا درج میگردد :

در صف نیکان ندارم جای وای
آه از این بی مهربانیا وای وای -

فرقت روی جو ماهش سوخت دل
پرزخون شد این دل شیدا ی وای

وای بر من از ذنوب لا تحسد
آه از این آلام لا تحصای وای
"شوقیا" ای صاحب وجه بهی
ای بهین محسوب دل آرای وای
مستتر فرما خطایم ز لطف
با اثر کن این نوای "وای وای"
چیست فانی تاکه او گوید سخن
گر که باشد پشه یا عنقهای وای
در انتظار وصول آثار دیگر جناب هنرمندان هستیم

سرکار خانم اظهریه گستانی از سنگسر، قطعه شعر موزونی برای ما ارسال داشته اند که بسیار مناسب است بعنوان یک سرود امری تلقی شود و بهر حال حاکی از ذوق لطیف این دوست عزیز است .
بند اول این سرود را برای اطلاع و استفاده خوانندگان عزیز ذیلا نقل مینمائیم و از سرکار خانم اظهریه گستانی صمیمانه متشکریم :

جوان بکوش جوان بکوش
بکوی علم و معرفت بسوی نور مرحمت
صبأ بنشوش مسأ بنشوش
توزان گاوس مکرمت همه رحیق موهبت
روحانرا دوا جسمات ترا شفا
باشد بیان ذوالمنن باشد بیان ذوالمنن

شد چون خیر این قضیه بساحت اقدس رسید مکرر احوالپرسی فرمودند و نیز توصیه فرمودند که ایشان در طهران -
 تحت معالجه اطیبی حاذق قرار گیرند بهر حال مدت سی و سه ماه تملک در طهران بستری بودند تا در شب اول -
 شهر السلطان سنه ۹۵ مطابق بیست و نهم دیماه ۱۳۱۷ شمسی صعود فرمودند و در گلستان جاوید طهران مدفون
 گردیدند . پایان

و آنقدر خاک و شن بر او افشاندند که مدفون شد چهار ساعت بعد احمدیان بهوش آمد و برخاست و برهنه مادر زاد برآید
 در آبادی پاخونده رسید و معلت برهنگی مورد سرزنش او قرار گرفت گفت این نتیجه فرمان تست ترا بهر چه ایمان داری
 حکم قتل مرابنویس را تو بسیار منوّم که این همه افتخار برایم فراهم کردی آرزو دارم در راه وفا بحضرت صاحب الزمان
 فدایم زودتر حکم قتل مرابنویس تا این یکقاشق خون گندیده ام را فدایم زود مرا خلاص کن .
 باز مستگرا بن مجتمع شدند و این بار برسم دلسوزی کسی نزد او فرستادند که تو آدم خوبی هستی تو مابدی نکرده ای
 بیاد مسجد توبه کن ما نمی خواهیم خون تو هدر شود . ولی مرحوم احمدیان جواب داد من بهائی زاده هستم
 من بهائی هستم من نود سال عمر خود را در وفاداری با مرقده سر بهائی سر آورده ام من بمسجد کاری ندارم هر چه میخوا
 بکنید مرا آرزوی من برسانید مرا بشهادت برسانید آرزوی من اینست سه ماهه برای منوال گذشت روزی نبود که هدف سهام
 بلائی نشود و شبی نمیگذشت که اندوهی تازه بر وجودش وارد نیاید از بابت خود جز آرزوی شهادت نداشت ولی از غم
 دوستان در آتش سوزان بود تا یکی از احمای اردستان که ساکن طهران بود او را بطهران آورد تا چشمانش را که صدمه
 بسیار دیده بود مداوا کنند اما معالجه فایده نکرده و از دیده نابینا شد ولی در این سال مکرر آرزوی صعود میکرد و آرزومند بود
 که در اردستان مدفون شود بالاخره در مهرماه باردستان رفت و در نوزدهم آذرماه بطلکوت ایهی صعود کرد و به مراد
 دل در اردستان مدفون گردید بلی . طریق بهتر از مهر و وفا نیست .

حل جدول

شماره ۷۰

